

جایگاه تمثیل روایی در دیوان سید بهاءالدین مستوفی الممالک

شیوا ده بزرگی^۱، علی محمد مؤذنی^{۲*} و ثورالله نوروزی^۳

چکیده

دیوان سید بهاءالدین از رویکردهای گوناگون قابل بررسی است. یکی از مفاهیم و موضوعات مهم و پرکاربرد آن، تمثیل و علی‌الخصوص تمثیل روایی (گسترده) است. وی برای بیان افکار و اندیشه‌های خویش در حوزه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی از حکایات تمثیلی بهره برده است و آن به دلیل اثرگذاری بهتر و بیشتر در ذهن مخاطب بوده، زیرا در پاره‌ای از مباحث بیان مطلب فقط از راه تمثیل و مثال میسر می‌باشد. پژوهش حاضر که به روش (توصیفی - تحلیلی) مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته شده است، به بیان تمثیل و کاربرد آن، بررسی اشعار در محوریت تمثیل روایی، معرفی عناصر و ابزار مورد استفاده و پاسخ به پرسش مطرح شده می‌باشد که طبق یافته‌های پژوهش مشخص گردید تمایلات سید بهاءالدین در بیان تمثیلات رمزی براساس حروف ابجد از برجسته‌ترین ویژگی و هنرهای شاعری وی بوده و از این حیث نسبت به دیگر عناصر دارای بسامد و اثرگذاری بیشتری می‌باشد.

کلید واژه‌ها: تمثیل، تمثیل روایی، دیوان اشعار، سید بهاءالدین.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

^۲ - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

moazzeni@ut.ac.ir

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

زبان فارسی از نظر دامنه و تنوع واژه‌ها یکی از پرمایه‌ترین و بزرگ‌ترین زبان‌های جهان می‌باشد و همواره شاعران و نویسندگان بسیاری را در سایه خود شکوفا کرده است. با نگاهی اجمالی به آثار و کتب بر جای مانده از سراینده‌گان و مؤلفان به این حقیقت خواهیم رسید که آنان با توجه به نکات ظریف ادبی و عروضی، کلمات را چنان فصیح و بلیغ به نگارش درآورده‌اند که انسان را به خواندن و یادگیری آن مطالب ترغیب می‌نمایند.

سید بهاء‌الدین شاعر نام‌آور قرن سیزدهم در دوره مشروطه یا عصر بیداری است که دیوان خویش را در حوزه عرفان و غنا تصنیف کرده است. وی در اشعار خود که حدود ۵۰۳۴ بیت است از آیات، روایات، داستان‌های تاریخی و تمثیلات بهره گرفته تا آموزه‌های اخلاقی را در جان و ذهن مخاطبان القا نماید.

این شاعر مانند شاعران ادوار گذشته برای سرودن اشعار خویش از قواعد عروضی و آرایه‌های ادبی (بلاغت، فصاحت، بیان و بدیع) در قالب‌های غزلیات، رباعیات، ترجیع بند، ترکیب بند، دو بیتی و اشعار متفرقه استفاده کرده است. اما با توجه به موضوعیت تحقیق که در باب تمثیل است از دیگر آرایه‌های ادبی صرف نظر می‌کنیم و دیوان شاعر را بر اساس ابیات دارای آرایه تمثیل بررسی می‌نماییم.

تمثیل یکی از رکن‌های ارزشمند زبان و ادبیات فارسی است و به کارگیری آن در متون و اشعار سابقه زیادی دارد. از دلایلی که شاعران و نویسندگان از تمثیل در آثار خود استفاده می‌کنند می‌توان به ویژگی خاص آن اشاره کرد. «و آن هم از جمله استعارات است، الا آن که این نوع، استعاراتی است به طریق امثال و این صنعت خوشتر از استعارات مجرد باشد». (شمس رازی، ۱۳۷۳: ۳۱۵) در متون ادبی، تمثیل جایگاه ویژه و ارزنده‌ای دارد و از این رو خلق‌کنندگان آثار ادبی با استفاده از این شیوه، علاوه بر ابعاد زیباشناسی، به گونه‌ای سخن خود را استوار و باورپذیر می‌سازند.

خداوند متعال در قرآن با توجه به تأثیرگذاری بر ذهن و تفکر بندگان، در برخی آیات با زبان تمثیل کلام خویش را نازل می‌فرماید. «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» «و ما این همه مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم (تا حقایق برای آنها روشن شود) و لیکن به جز مردم

دانشمند کسی تعقل در آنها نخواهد کرد». (عنکبوت: ۴۳) بنابراین تمثیل به قلمرو مفاهیم مربوط است و به یک مفهوم عقلی اشاره می‌کند. «پس تمثیل بیان حکایت و روایتی است که هر چند معنای ظاهری دارد، اما مراد گوینده معنای کلی‌تر دیگری است». (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۰۷)

بیان مسأله

بزرگان شعر و ادب در دیوان‌ها و اشعار خود مَثَل و تمثیل‌های فراوانی به کار برده‌اند و از این معیار برای انتقال مفاهیم کلی‌تر استفاده می‌نمایند. به این ترتیب که تمثیل یک رویه آشکار دارد و یک یا چند رویه پنهان که خواننده با تأمل و دقت در رویه آشکار به رویه یا رویه‌های تمثیلی که معمولاً حاوی نکات اخلاقی، طنزی، اجتماعی یا سیاسی است پی می‌برد.

تمثیل به صور مختلف در کلام ایجاد می‌شود. از بیان مثالی ساده در کلام تا روایتی که ریشه تمثیلی دارد. تمثیل در لغت به معنای مثال آوردن و تشبیه کردن است و در اصطلاح آراستن عبارت نظم، نثر با جمله‌ای متضمن مطلبی حکیمانه. (رک، همایی، ۱۳۷۷: ۲۹۸)

الجزوی تمثیل را به سه درجه تقسیم بندی نموده است. «نوع اول، مثل سایر که همان ضرب‌المثل است. نوع دوم، مَثَل قیاسی که اهل بلاغت آن را تمثیل مرکب می‌خوانند و همان صورت وصفی و روایی است که از طریق تشبیه و تمثیل به توضیح یک اندیشه می‌پردازد. نوع سوم، مثل خرافی است که حکایتی از زبان غیرانسان به قصد طنز و فکاهه و تعلیم است». (الجزوی، ۱۹۸۱: ۲۰)

تمثیل با توجه به نظرات اهل فن به نظر نگارنده زاینده تصویرگرایی است و تصویرگرایی زاینده تخیل قوی یک شاعر یا نویسنده و حتی یک قوم و ملت است. بنابراین وجود صور خیال در اشعار شاعران و علی‌الخصوص سید بهاء‌الدین را می‌توان قدرت تخیل و قدرت بیان آن دانست. لازم به توضیح است که در آثار ادبی تمثیل‌های متنوع بسیاری آمده که آگاه دهنده‌گی مخاطب از مهم‌ترین اسلوب و ویژگی آن است. سید بهاء‌الدین به همین سبب با تأسی از قرآن و قصص از تمثیل در برخی اشعار خود یاری جسته و در بیان مفاهیم و مقاصد خود بهره برده است. در این مقاله سعی شده با معرفی مختصری از انواع تمثیل به کار رفته در اشعار سید بهاء‌الدین، بررسی آنها و جایگاه تمثیل بپردازیم.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه تمثیل صورت گرفته، اما در رابطه با این شاعر که نام وی فقط در فارسنامه ناصری ذکر شده تحقیق و پژوهشی انجام نشده است. ولی مقالاتی که درباره تمثیل انجام شده برخی به عنوان مثال به شرح ذیل می‌باشد:

۱ - نجار نوبری، عفت، (۱۳۹۹)، «تحلیل تمثیل‌های عرفانی در فیه ما فیه»، فصلنامه علمی عرفان اسلامی، شماره ۶۳، ص: ۲۲-۴۲.

۲ - شیرکوند، ویدا، (۱۳۹۷)، «گروه کارکرد تمثیل در اشعار سبک خراسانی»، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، شماره ۳۵، ص: ۱۳۵-۱۶۰.

روش تحقیق:

این مقاله به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. به این صورت که پس از مطالعه کتاب‌های مرتبط و گردآوری مطالب مورد نیاز، دیوان مورد بررسی و کندوکاو قرار گرفت و شواهد مورد نیاز طبقه‌بندی شد.

پرسش تحقیق:

سید بهاء‌الدین از چه ابزار و عناصری برای بیان داستان و حکایات تمثیل روایی استفاده کرده است؟

ضرورت و هدف تحقیق:

آشنایی با اشعار سید بهاء‌الدین از دیدگاه تمثیل روایی. (گسترده)

بحث و بررسی

۱ تمثیل:

«در لغت به معنای تشبیه کردن چیزی به چیز دیگر و مثل آوردن داستان یا حدیثی به عنوان مثال بیان کردن است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه تمثیل) در علم بلاغت نظرات گوناگونی درباره تمثیل بیان شده است که به شرح ذیل می‌باشد:

جلال‌الدین همایی درباره تمثیل می‌گوید: «آن است که عبارت نظم و نثر را به جمله‌ای که مثل یا شبه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است بیاریند و این صنعت همه جا موجب آرایش و تقویت ساختار سخن می‌شود». (همایی، ۱۳۷۷: ۲۸۵)

واعظ کاشفی بر این عقیده است: «تمثیل از جمله استعارات است، مگر آنکه استعارت بر طریق مثال مذکور می‌گردد. تمثیل در لغت باز نمودن صورت مثال است و در اصطلاح ایراد معنی مقصود است به طریق مثل». (کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۰۷)

اما عبدالقاهر جرجانی در این باره می‌گوید: «تشبیهی که بیشتر شایسته عنوان تمثیل است، تشبیهی است که جز در کلام و یک جمله یا بیشتر گنجانده نمی‌شود. چنانکه تشبیه هر قدر که به عقلی بودن نزدیک‌تر شده باشد، جمله بیشتر خواهد بود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۶۹)

از مهم‌ترین عواملی که سبب علاقه شاعران و نویسندگان به تمثیل می‌باشد، عبارتند از:

۱- تمثیل با بیانی غیرمستقیم و کنایی از تلخی، گزندگی پند می‌کاهد، زیرا؛ سرشت آدمی از این که آماج تیرهای پند واقع شود، ناخرسند است.

۲- معمولاً معانی انبوه در قالب تمثیل به شکلی موجز ارائه می‌شود و کمتر باعث خستگی مخاطب می‌گردد.

۳- تمثیل معمولاً ساختاری داستانی دارد و علاقه به داستان در نهاد بشر امری فطری است.

۴- تمثیل چون سایر آرایه‌ها فرآیندی دو جانبه دارد، بدین گونه که گوینده با بیانی تمثیلی نیمی از انتقال پیام را به عهده می‌گیرد و باقی را به عهده شنونده و مخاطب می‌گذارد.

۵- تمثیل در فرهنگ بشری مروج روحیه تسامح و نقطه اشتراک است. تمثیل به زبانی مشترک و جهانی نزدیک و گزارشگر احساسات و تجربه‌های مشترک بشری می‌شود. (مک کوین، ۱۳۸۹: ۶۰)

۲ کاربردهای تمثیل

۲-۱: برای بازداشتن و دور کردن مخاطب خویش از کاری که ناپسند است و جلوه منفی دارد.

۲-۲: برای برانگیختن مخاطب به انجام کاری که پسندیده است و مقبولیت عام دارد به کار می‌رود.

- ۳-۲: جهت پند و اندرز دادن به مخاطبان در قالب شعر یا نثر.
- ۴-۲: برای مجسم کردن یک عقیده یا باور عامیانه در ذهن مخاطب خویش و بیان مقصود ذهنی شاعر.
- ۵-۲: جهت اثبات یک حکم، یعنی شاعر برای اثبات حکم یک تمثیل را در بیت به کار می‌برد.
(ر.ک. فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۳۴)

۳- مراتب تمثیل از نظر ساختار:

تمثیل از نظر ساختار و شکل به دو بخش تقسیم بندی می‌شوند که عبارتند از:

۳-۱ تمثیل روایی یا گسترده:

«تمثیل‌هایی که شکل داستانی دارند و شامل افسانه‌های تمثیلی، حکایات انسانی و حیوانی و فابل، پارابل و اگزومپلوم می‌باشند». (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۸۵)

در واقع تمثیل داستانی در اصطلاح ادبی، روایت گسترش یافته‌ای است که از دو لایه معنایی تشکیل یافته است. لایه اول همان صورت و شکل داستانی است و لایه دوم معنای ثانوی که اندیشه پنهان شاعر و نویسنده در آن نمود پیدا می‌کند». (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۸۵)

۳-۲ تمثیل توصیفی (تمثیل کوتاه)

«تمثیل‌هایی که نسبت به تمثیل روایی از بسامد و کاربرد بیشتری برخوردار بوده است و از نظر تعداد جملات و حجم از یک یا چند جمله فراتر نمی‌رود و دارای انواع تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلیه، ارسال مثل و اسلوب هستند». (پرهیزی، ۱۳۹۴: ۴۵)

۳-۱-۱-۱-۳- فابل

«فابل از ریشه لاتین (fibula) به معنی بازگفتن است. این اصطلاح در دوران قرون وسطی و رنسانس اغلب هنگام سخن گفتن از طرح یک روایت به کار می‌رفت. در اصطلاح ادبی فابل داستان ساده و کوتاهی است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوان و هدف آن آموختن و تعلیم یک

اصل و حقیقت اخلاقی است. البته فابل گاهی نیز برای داستان‌های مربوط به موجودات طبیعی و یا وقایع خارق‌العاده، افسانه‌ها، اسطوره‌های جهانی و داستان‌های دروغین و ساختگی به کار می‌روند. شخصیت‌ها در فابل اغلب حیوانات هستند، اما گاهی اشیاء بی جان و موجودات انسانی یا خدایان هم در آن حضور دارند». (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۳) اما نکته اخلاقی فابل عمدتاً به مسائل دنیوی و مادی مرتبط است و حیواناتی که در آن نقش ایفا می‌کنند، عملاً انسان‌اند و رفتار و کردارشان کاملاً انسانی است. عمده‌ترین عنصر فابل، نکته تعلیمی آن است که دیدگاه آن واقع‌گرایانه و کنایه‌آمیز است. (ر.ک، فتوحی، ۱۳۸۵: ۵۳)

سید بهاء‌الدین در جامعه آشفته و بیمار خویش مشکلات و گرفتاری‌هایی را مشاهده می‌کند و آن حکومت فساد و مردم نادانی است که به آن گرفتارند و آن عدم تشخیص درست از نادرست بوده که یکی از معضلات و بدبختی‌های روزگار است. در این بیماری، مردم از روی قضاوت ناعادلانه و بدون عدله و تفکر منطقی دست به اقداماتی ناپسند می‌زنند که گاهی اوقات به از دست دادن جان و آبروی افراد منتهی می‌گردد. از این رو شاعر به طور غیرمستقیم، مخاطب را به پرهیز از مجادله با افراد نادان رهنمون می‌کند.

دید روباهی که روباهی دگر	می دود گفت ای برادر حال چیست
گفت باشد خر بگیری گفت تو	نیستی خر، روبهی، بر جا بایست
گفت تا ثابت کنم خر نیستم	دیگر از من در جهان آثار نیست

(مستوفی، ۱۳۹۰: ۱۱۶)

وی درباره نحوه چگونگی رفتار و کردار نزد دیگران به جهت پذیرش نوع نگاه و ملاک کسب شعور و شخصیت داشتن با قصه تمثیلی سگ و گربه بیانگر این مطلب است که در حقیقت منش رفتار ظاهری هر فردی می‌تواند در به دست آوردن موفقیت و پیروزی زندگی‌اش تأثیرگذار باشد.

سگی گفت با گربه راز دلی	که از من بیا حل نما مشکلی
شب و روز من پاسبانی کنم	نگهبانی آن سان که دانی کنم
کنم پاسبانی نهان و عیان	دهد گاه گاهی به من استخوان
نشینی چو مهمان تو در پیش خوان	برایت مهیا بود آب و نان

تو پاکیزه رو گشته ای من دنس
 که رحم و مروت بود از تو دور
 دل از عوعوت سخت لرزان شود
 به چشم همه خار گردیده ای
 نجس چون سگ و در نظر خوار شد
 (همان: ۴۲۵)

تو گردیده ای طاهر و من نجس
 جواب سگ آن گربه گفت ای عقور
 تو را هر که بیند گریزان شود
 تو چون مردم آزار گردیده ای
 چو سگ گر کسی مردم آزار شد

۲ ۴ - پارابل

از ریشه یونانی به معنی جایگزینی و جانشینی، به مجاورتی اشاره دارد که یک داستان را با یک عقیده مقایسه می کند و در برابر آن می نهد و از جمله نمونه های تمثیلی هستند. این نوع حکایت ها مخصوص کتاب های مذهبی می باشد که داستانی بازگو می شود، یک حقیقت مذهبی و دینی را تبیین می کند. طرح داستان در پارابل، اصل مذهبی و اخلاقی یا حقیقتی را آشکار می سازد و همواره از طریق مقایسه با حوادث واقعی تعلیم می دهد. پارابل ها نمونه عالی از اخلاق انسانی را به منزله الگویی برای اخلاق عمومی مطرح می کند. مشهورترین پارابل ها، مثال های عیسی (ع) در انجیل است. حکایت های واقع گرایی ادبیات تعلیمی در آثاری مانند بوستان و گلستان سعدی از این نوع هستند. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۶۹)

سید بهاء الدین به سبب اعتقاد و ارادت به خاندان پیامبر (ص) دیوان خویش را از اشعاری ناب و دلنشین در توصف آنان متبرک نموده است. وی در توصیف امام علی (ع) که نماینده رسول اکرم (ص) در جشن غدیر خم انتخاب گردیده و از جایگاه والایی نزد خدای متعال، فرشتگان و مسلمانان برخوردار است اشعاری به شرح ذیل که بازگو کننده جایگاه ارزنده وی در منسب جانشینی می باشد بیان می کند.

که دست او به یقین دست دست رحمان شد
 به دست موسی عمران عصا چو ثعبان شد
 خلاص کی شدی و پادشاه دوران شد

علی ولی خدا پادشاه کون و مکان
 اگر که دست یداللهی اش نبود چه سان
 اگر نه مرحمش بود یوسف از تک چاه

شهی که آیه ای از مدح او بود تورات کمی ز وصف صفاتش تمام قرآن شد...
(همان: ۱۳۲)

در کار علی عقل و خرد حیران است لال از صفتش زبان دانایان است
او را نتوان گفت خدا هست، اما مختار و ولی خالق رحمان است
(همان: ۱۷۳)

۳ + ۴ - آگزمپلوم

«آگزمپلوم یا داستان مثال یا مثال داستانی است که شهرت بسیار داشته باشد و شنونده به محض شنیدن تمام یا قسمتی از آن متوجه مشبه یا منظور باطنی تمثیل و نتیجه اخلاقی آن بشود.»
(شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۱۵)

آگزمپلوم در ادب مسیحی غربی در مواعظ، بسیار مرسوم بود و مجموعه آگزمپلوم‌های متعددی از وعاظ و خطبای قرون وسطی به جا مانده است. تمثیل اخلاقی یا داستان مثال یا حکایت معروف باید طوری باشد که سریع ایده خاصی را به ذهن متبادر کند و به همین دلیل این داستان‌ها به علت کثرت استعمال جنبه کلیشه‌ای پیدا نمی‌کنند. (همان: ۲۷۶)

سید بهاء‌الدین با در نظر گرفتن ضرب‌المثل‌های فارسی اقدام به سرودن اشعاری بر پایه اصول آگزمپلوم نموده است که مخاطب را متوجه نتیجه اعمال اخلاقی نماید.

دل‌گشت بس ملول از این علم بی عمل بود علم بی عمل چو زنبور بی عسل
(مستوفی، ۱۳۹۰: ۱۵۴)

بلند اقبال کن صبر از غم هجر که آخر غوره می‌گردد می‌ناب
(همان: ۱۷۵)

۴ - ابزار و عناصر کاربرد تمثیلی در دیوان سید بهاء‌الدین:

سید بهاء‌الدین در اشعار تمثیلی خویش از عناصری استفاده نموده است که به شرح ذیل می‌باشد.

۱-۴ پرندگان

پرندگانی که در این داستانها به آنها اشاره شده است عبارتند از: بلبل، زاغ، فاخته، گنجشک، عقاب.

مشو از من و کارم اندوهناک
خود از غم هلاکم ملامت مگو
که درد مرا چاره جز مرگ نیست
(همان: ۳۲۲)

بر بلبل آمد پی مژده زاغ
گه عشرت و عیش و مل آمده
نگفتم شب و روز زاری مکن
که گردد به رویت در عیش باز
(همان: ۳۱۴)

کجا خود برد جان و سالم کند
بین تا که بر فاخته چون گذشت
ز بس آتشین آه از دل کشید
(همان: ۳۳۰)

همچو گنجشکی به چنگال عقاب
شد دلم از آتش هجران کباب
(همان: ۱۶)

به آه و فغان گفت بلبل به تاک
به درد من از لطف شو چاره جو
بر احوال من زار باید گریست

چو گل خیمه زن گشت در صحن باغ
بگفتش بده مژده گل آمده
نگفتم چنین بی قراری مکن
نگفتم که با غم بسوز و بساز

به مظلوم ظلمی که ظالم کند
چو بلبل هلاک از غم یار گشت
بین فاخته ز آه بلبل چه دید

مرغ دل در چنگ زلفت شد اسیر
از برای بزم وصلت ای صنم

۲-۴ حیوانات

حیواناتی که سید بهاء الدین در تمثیلات داستانی از آنها نام برده عبارتند از: خر، مار (ثعبان)، ماهی، نهنگ.

نبايد کشيدن پی کاه و جو

خری با خری گفت منت ز کس

دهد گاه و جو صاحب ما به ما پی نفع هم آب و هیزم کشیم بیاتا بمیریم و فارغ شویم	ولی جان ز ما می ستاند گرو کشدمان بگردیم اگر کند رو ز من ای برادر نصیحت شنو (همان: ۴۳۹)
روی او باشد کف موسی و زلف او عصاست	کز ره اعجاز، او بر شکل ثعبان کرده است (همان: ۳۰)
گاه یونس گردد و منزل کند در بطن حوت	تا به وحدت قعر دریا هم کند اقرار را (همان: ۶)
تو یونسی و حوت است این خاکدان ریو	تو یوسفی و چاه است این دار ششدر را (همان: ۲۱۶)
یونسم نه یوسفم نه پس چرا چون این و آن	گه به چه گه جای در کام نهنگ آید مرا (همان: ۱۰)

۳-۴ حشرات

وی در داستان‌های تمثیلی از حشراتی مانند مور، مگس استفاده کرده است.

یکی مور برد از ملخ تحفه رانی مبادا که آن مور شرمنده گردد	به پیش سلیمان به آن جاه و حشمت ازو شد قبول و به او کرد رأفت (همان: ۴۳۲)
بر لب لعل تو هر کس دید خالت را بگفت	کاین مگس باشد که بر شیرین شکر بنشسته است (همان: ۲۷)

۴-۴ قصص و آیات قرآنی

سید بهاءالدین با بهره‌گیری از آیات قرآن و حکایات دینی و اخلاقی که سرشار از پند و اندرز است از تمثیل برای تبلیغ و ارشاد مخاطبان استفاده برده است.

همچو نوح از اشک چشمم کرد طوفانی به پا	بر دل من آفرین کز صبر چون ایوب بود. (همان: ۷۶)
---------------------------------------	---

همچو منصور حق بگو ای دل	غم مدار از زنند بر دارت
کس به ظلماتم کند گر بندگی	همچو خضر او را بیخشم زندگی
	(همان: ۲۴۴)
	(همان: ۳۰۴)

۴-۵ ایما و اشارات رمزی

یکی از خصوصیات برجسته شاعری سید بهاء الدین استفاده از رموز حروف ابجد برای بیان معانی تمثیلی اشعار است که مخاطب را ملزوم به فراگیری حروف ابجد می نماید.

تمثیل به حضرت علی (ع) از طریق حروف ابجد:

به چشم سر و سر نگه کن بین	که سری است پنهان در آب و زمین
	علی = آب + زمین
	۱۱۰ ۳ ۱۰۷

(همان: ۹۰)

زاهدان گویند می باشد حرام و می نوش	می اگر باشد به دست وی حلال است این حرام
	الله = وی + می
	۶۶ ۱۶ ۵۰

(همان: ۲۰)

می برد از من حواس خمسه خط روی دوست	یادم آید در فلک بینم چو ماه وهاله را
	محمد = خمسه + ماه + هاله
	۹۲ ۵ ۴۶ ۴۱

(همان: ۱۴)

نتیجه‌گیری

شاعران و نویسندگان موفق عرصه ادبی برای خلق آثار می‌بایست از جامع‌ترین اصول و قواعد بلاغت و فصاحت زبان فارسی بهره ببرند. سید بهاء‌الدین نیز با بهره‌گیری از نکات ادبی و آرایه‌های بیان، بدیع و عروض توانست اشعاری با ۵۰۳۴ بیت بسراید. اما آنچه که در نظر وی برای انتقال مفاهیم در پاره‌ای از مباحث دینی، اخلاقی و اجتماعی مد نظر قرار گرفت، آرایه تمثیل بوده است. براساس یافته‌های اشعار وی مشخص گردید جایگاه تمثیل و به خصوص تمثیل روایی که در بردارنده فابل، پارابل و اگزپلوم بوده، هر یک حاوی مطالب ارزنده و مؤثری می‌باشند که با بیان غیرمستقیم مخاطب را تحت تأثیر و راهنمایی قرار می‌دهند.

آنچه اشعار وی را در حیطه زیباشناسی و داستان‌های روان‌شناختی که از ویژگی‌های تمثیل روایی است دارای زیبایی کلام کرده، استفاده از ابزار و عناصری مانند مجموعه‌ای از برخی حیوانات، پرندگان، حشرات، قصص و آیات قرآنی و از همه مهم‌تر ایما و اشارات رمزی حروف ابجد می‌باشد که وی به جهت ارادت به خداوند متعال، پیامبران و ائمه اطهار اشعار خویش را به طور نامحسوس و با بیانی غیرمستقیم بیان نموده است تا مخاطب را با مسائل دینی و مشیت الهی، عرفان و اولیاء و شناخت عالم و آفاق آشنا کند.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- الجوزی، ابن قیم، (۱۹۸۱)، *الامثال فی قرآن الکریم*، ترجمه سید محمد نمر الخطیب، بیروت: دارالمعرفه.
- ۳- پرهیزی، عبدالخالق، (۱۳۹۴)، *سیرعلوم بلاغی در ادب فارسی*، تهران: اندیشگان.
- ۴- تقوی، محمد، (۱۳۷۶)، *حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی*، جلد ۱، تهران: روزبه.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، جلد ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
- ۷- شمس قیس الرازی، (۱۳۷۳)، *المعجم فی معاییر اشعار عجم*، تهران: فردوس.
- ۸- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۶)، *بیان و معانی*، تهران: فردوس.
- ۹- فتوحی، محمود، (۱۳۸۵)، *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.
- ۱۰- کاشفی سبزواری، میرزاحسن، (۱۳۶۹)، *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*، تصحیح میرجلال الدین کزازی، تهران، مرکز.
- ۱۱- مستوفی، سید بهاء الدین، (۱۳۹۰)، *دیوان*، شیراز: دریای نور، چاپ اول.
- ۱۲- مک کویین، جان، (۱۳۸۹)، *تمثیل*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- ۱۳- همایی، جلال الدین، (۱۳۷۷)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: هما.